

نکاتی پیرامون جن

در فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی

دکتر حسین باهر

۱- پیش‌گفتار

پدیده‌ی به نام «جن» به دلایل طرح آن از طرف کتب آسمانی، از یک طرفه و افسانه‌های انسانی، از طرف دیگر، همیشه و همه جا به ویژه در جهان سوم و آن هم تا قبل از هزاره‌ی سوم، از جمله مسایل و مشاکل اندیشه‌ی بشر معمولی بوده است. به ویژه آن که در افسانه‌های حکیمان متقدم، مانند داستان‌های شاهنامه و یا در اشعار عرفای بزرگ مانند حافظ مراتبی از جن و پری، فرشته و ملکه دست‌غیب و فیض روح القدس و مانند این‌ها آمده است که همگان با آن‌ها آشنا هستیم. آن چه که ذیلاً به بحث گذاشته می‌شود، صرفاً یک مجموعه‌ی منقول و معقول و معمول و محمول حول واژه‌ی است به نام «جن».

۲- جن در فرهنگ اسلامی

۱-۲- «جن» در قرآن

در قرآن یک سوره به نام «جن» و در حدود چهل آیه درباره‌ی «جن» آمده که نکات ذیل از آن‌ها قابل برداشت است:

- ۱- «جن» از جنس «نار» است همان گونه که ملایکه از جنس نور و بشر از جنس خاک.
- ۲- «جن» قبل از «انس» آفریده شده است همان گونه که ملایکه نیز قبل از جن.
- ۳- «جن» نیز برای عبادت خلق شده است مانند انسان.
- ۴- «جن» حق اختیار دارد که مؤمن یا کافر باشد همانند انسان.
- ۵- «جن» دارای زاد و ولد و مرگ و میر است. با تفاوت‌هایی نسبت به انسان.

۶- «جن» دارای مبدای ادراک قلبی، بصری و سمعی می‌باشد. عقل دارد ولی عشق ندارد.

۷- «نوع جن» مانند انس دارای شیاطینی است که نوع مفسد آن می‌باشند.

۸- سرسلسله‌ی شیاطین «جنی» را «ابلیس» گویند که از درگاه الهی رانده شده است. (۱۸/۵۰)

۹- «جنیان» بخشی از لشکریان سلیمان را تشکیل می‌دهاند. (۲۷/۱۷)

۱۰- «جن» قادر بوده است که کارهای محیرالعقول انجام دهد. (۲۷/۳۹)

۱۱- «جن» همدوش انس، می‌تواند در سینه‌ی انسان‌ها وسوسه کند. (۱۱۴/۶)

۱۲- انبیای الهی از هر دو دسته جن و انس، دوست و دشمن داشته‌اند. (۶/۱۱۲)

۱۳- شیاطین از طریق «وحی» با دوستانشان ارتباط می‌یابند. (۶/۱۲۱)
۱۴- اگر تمام جن و انس جمع شوند قادر به آوردن کتابی مانند قرآن نیستند. (۱۷/۸)

۱۵- «جن» و «انس» گناهکار، دوش به دوش هم به جهنم ریخته می‌شوند. (۷/۱۷۹)

۱۶- «جن» قادر بوده است که امواج قرآنی را، از طریق وحی، بشنود. (۴۶/۲۹)

۱۷- پاره‌ای شیاطین جنی در صدد اعوجاج دادن امواج وحی بوده‌اند که موفق نشده‌اند. (۲۷/۷۲)

۱۸- عدم توفیق بچه شیطان‌ها به دلیل رانده شدنشان با شهاب ثاقب بوده است. (۸-۹/۷۲)

۱۹- «جن» و «انس» نمی‌توانند در اقطار آسمان‌ها و زمین نفوذ کنند مگر با وسیله. (۵۵/۳۳)

۲۰- «جن» از عالم ماده است و لذا علم غیب نمی‌داند (مگر غیب مادی). (۳۴/۱۴)

۲-۲- جن در روایات (اخبار و احادیث)

۱. در روایات اسلامی منبعث از کتب آسمانی مطالبی درباره‌ی جن مطرح شده است که پاسخ‌ها معمولاً در حد فهم پرسشگرها بوده است.

۲. گفته شده است که در محل مسجد «جن» که در نزدیکی مسجدالحرام قرار دارد، اجنه‌ی مؤمن جهت بیعت با پیامبر اسلام جمع شده‌اند.

۳. همچنین گفته شده است که سپاهی از جن، به سرکردگی «ظفر» جهت همکاری با امام حسین (ع) اعلام آمادگی کردند.

۴. گفته می‌شود که امام‌های معصوم، امام اجنه هم بوده و می‌باشند.

۵. نگارنده حسین (باهر) از محضر مرحوم امام خمینی پرسیدم که در غیبت امام معصوم، تکلیف پاسخگویی به مسایل اجنه‌ی مؤمن با چه کسی است؟ ایشان در جواب فرمودند: «فعلماً مبتلا به شما نیست».

۶. خلاصه در روایات داریم که جن می‌تواند خودش را به هر شکل از جمله سگ و خوک درآورد.

۷. نهایتاً آنکه از روایات، در این مورد چیزی که پاسخ عقلی نام بگیرد: دریافت نکردم.

۳- «جن» در ادبیات

در ادبیات ایران باستان، وجودی به نام اهریمن در قیاس با اهورا مزدا را مظهری از شیطان (ابلیس) می‌دانستند.

احتمالاً «دیو» که به اصطلاح اهل نظر «هیولا» بوده است دو صورت زشت و زیبا، به نام‌های پری و اهریمن به خود می‌گیرد.

این امر متفاوت با فرشته (یا ملک) است که اصلاً خوب و بد و زشت و زیبا ندارد، یعنی فرشتگان دارای سیستم کاملاً بسته‌ای در جهت انجام مأموریت‌های ویژه‌ی الهی هستند که به طور دسته جمعی عمل می‌کنند و هر دسته‌ای از آن‌ها نیز دارای سردسته‌ای است به شرح زیر:

سردسته ملائیک عالم اول (مادیات): میکائیل

سردسته ملائیک عالم دوم (معنویات): جبرائیل

سردسته ملائیک عالم سوم (اخلاقیات): عزرائیل

سردسته ملائیک عالم چهارم (عرفانیات): اسرافیل

حافظ شیطان را حاجب در میخانه‌ی دوست می‌داند:

به حاجب در دولت سرای دوست بگو

فلان ز گوشه نشینان خاک می‌کند است

و یا در جایی دیگر می‌فرماید:

خلوت دل نیست جای صحبت اصداد

دیو چو بیرون رود فرشته درآید

۴- «جن» در خرافات

برای وجود مرموزی به نام «جن» خرافه‌های بسیاری، در همه‌ی سرزمین‌ها، به ویژه در کشورهای جهان سوم و بالخصوص در شهرهای مذهبی و روستاهای عقب مانده رایج است. افسانه‌هایی نظیر حمام حسن کچل، مسجد مهمان کش، آب انبار مخروبه و...

خلاصه آنکه کار خرافات به جایی کشیده شده است که واژگانی همچون جن زده (مجنون)، جن داده (جن ده)، تخم جن (حرام زاده)، عقل جن (بسیار باهوش) و... بسیار متداول است.

۵- تسخیر و تصرف جن: استقرا

در این اواخر برای نگارنده نمونه‌هایی به اجمال زیر مطرح گشته است:

۱- یکی از اجله درویش قادری (خلیفه ناصر) در جلسه‌ای (با حضور آقای دکتر نیک‌پور) دست به عملیات تسخیر جن زد و پاهای آقای دکتر را زیر پتو شستشو دادند.

۲- آقایی به نام دکتر بیگی گذشته‌ی انسان را موبه مو می‌گوید و با توجه به شکل و شمایل ایشان می‌توان حدس زد که انسانی مرکب باشند.

۳- دختر خانم‌هایی معمولاً تحصیل کرده که سن متعارف از نواج را سپری نموده‌اند، به من مراجعه نموده‌اند و از مزاحمین جن شکایت داشته‌اند که آن‌ها را به روان‌پزشک ارجاع داده‌ام.

۶- نتیجه گیری

۱- به دلیل اینکه انسان هنوز بیشتر از ده درصد از سلول‌های مغز خود را به کار نگرفته است، لذا برداشت‌هایش در مورد امور مختلف خصوصاً امور ماورایی نمی‌تواند صددرصد باشد.

۲. بسیاری از مسائلی که قبلاً مجهول بوده است، در حال حاضر (نفیاً و اثباتاً) معلوم شده است.

۳. سعی کنیم که مسئله‌ی مورد بحث (جن) را نه بپذیریم و نه رد کنیم، مگر آنکه برایش دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشیم.

۴. آنچه که علی‌الحساب می‌توان دریافت، آن است که حتماً پدیده‌ی به نام «جن» وجود دارد که قبل از «انس» هم آفریده شده است (طبق نص صریح قرآن کریم).

۵. «جن» هم خانواده‌ی جان، جنین، جانان، جنان و مجنون می‌باشد که همه‌ی آن‌ها نشان از «جان» زیاد می‌کنند، یعنی پدیده‌ی پرنرژی.

۶. آیا واقعاً «جن» همان «ژن» است که قبل از تشکیل نطفه از طریق تقسیم سلولی و کروموزومی ترکیب تخمک و اسپرم، به انسان شکل یافته‌ی جدید منتقل می‌گردد که همان جنین است؟ در قرآن هم آیه‌ای شبیه به این مضمونی وجود دارد:

هو اعلم بکم اذ انشاکم من الارض و اذ انتم اجنه فی بطون امهاتکم (۵۳/۳۲)

۷- بحث‌هایی برای آینده در مورد «جن»

۱. آیا بین پدیده‌ی «جن» و افراد نابغه که اصطلاحاً به آنان «ژنی» GENIUS گفته می‌شود می‌توان رابطه‌ی یافت؟

۲. آیا «نار» در قیاس با «نور» و «خاک» می‌تواند سمبل انرژی گرم کننده (سوزنده و یا سازنده) باشد که در هر انسانی به صورت نفس تجلی می‌کند؟ همان‌گونه که در قرآن می‌خوانیم: وَنَسْ وَمَسْوِیْهَا. فَالْهَمْهَا فِجُورْهَا وَتَقْوِیْهَا (۷/۸/۹۱)

۳. آیا اینکه در قرآن آمده است موجوداتی شما را محافظت می‌کنند، بدون ذکر آن که از جنس ملائیک هستند، می‌توانند همزاد جنی انسان باشند؟ آیه قرآنی چنین است:

و ان علیکم لحافظین کراماً کاتبین

۴. آیا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که «انسان» به عنوان آخرین مخلوق خدا ترکیبی است از حیوان (جسم)، ملک (روح)، نفس (جن) و امانت (خداگونگی) که هر کدام از این ابعاد اگر بر دیگر ابعاد غلبه کند، انسان جلوه‌ی متناظرش را می‌یابد؟ یعنی:

اگر بعد «جسم» غلبه کند «حیوان» است و حتی بدتر: (اولتک کالانعام بلهم اضل).

اگر بعد «روح» غلبه کند «ملک» است و حتی بالاتر: (بار دیگر از ملک پیران شوم).

اگر بعد «نفس» غلبه کند، «جن» است و حتی تندتر: (عاقلان نقطه‌ی پرگار وجودند ولی).

اگر بعد «امانت» غلبه کند، «خدا» است: (اننی انا الله).

امید است به مدد علوم جدیدی همچون کوانتوم موجی* در فیزیک، ساینتولوژی در متافیزیک، سوسپولوژی در سوپرفیزیک و انتولوژی در اولترافیزیک موفق شویم که نه تنها «جن» بلکه هر پدیده‌ی مجهول دیگری را به روشنی رد و یا قبول کرده و نفی و اثبات آن را در جهت خودشناسی و خودسازی و بالطبع خداشناسی به کار ببریم. انشاء الله. ■

پی نوشت

۱- بر اساس این علم چنین استنباط می‌شود که هستی متشکل از امواج مثبت و منفی (سازنده و سوزنده) است که همه‌ی آن‌ها نمی‌توانند در تسخیر انسان قرار گیرند.